

### اشغال سفارت آمریکا نمایشگر حرکت انقلابی ملت و ناتوانی دولت است

ورود آمریکا در صحنه‌ی دیپلماسی خاورمیانه به دنبال جنگ جهانی دوم، اگر در ابتدا برای برخی از خوش‌باوران سیاسی نوعی تحول در خط‌رہایی از سلطه‌ی دو ابرقدرت با سابقه‌ی استعماری به شمار می‌آمد، ولی ملت‌های منطقه بسیار زود به ماهیت امپریالیستی این جهان‌خوار تازه‌به‌دوران‌رسیده آگاه شدند.

توطئه و شرکت مستقیم در ساقط کردن حکومت ملّی دکتر مصدق، که بزرگترین آسیب تاریخی را بر ملت ما وارد ساخت، یا همکاری با صهیونیست‌ها در سرکوبی ملت آوارهی فلسطین و به کار بردن دسیسه‌های ویران‌ساز در نهضت‌های مردم مصر و عدن و یمن و شمال آفریقا، در یک سوی جامعه‌های اسلامی ما، اغتشاش و انسان‌کشی‌های پی‌درپی در سوی دیگر، چون پاکستان و بنگلادش و مالزی و فیلیپین، سهمناکتر از همه جا در اندونزی، سرتاسر کشورهای مسلمان‌نشین جهان را در موضعی قرار داد که دشمنان اصلی خود را در میان سیاست‌بازان ایالت متحده‌ی آمریکا جستجو کنند.

شناختی این چنین در پیوندهای روزافزون سلطه‌جویی آمریکا در آفریقا و آمریکای لاتین و دیگر نقاط آسیا، به‌ویژه ویتنام و کامبوج، ابعاد وسیع‌تری پیدا کرد، به گونه‌ای که جهان‌ملت‌ها نظام امپریالیستی ایالت متحده را در رابطه با حرکت‌های استعماری آن به شیوه‌های نو مانع جهانی آزادی و استقلال خود بدانند و اعتقاد ورزند، تا امپریالیسم آمریکا در همگامی با دیگر امپریالیست‌های گوناگون جهانی در پهنه‌ی حیات انسانی موجودیت و تلاش دارد، عدالت ملّی و منطقه‌ای و جهانی غیرقابل‌تحقق خواهد بود.

ملت ایران در سال‌های پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ این واقعیت را شناخت؛ و به همین دلیل، رژیم سلطنتی گذشته را در تحلیل نهایی، به علت بریده‌بودن از جامعه و فرهنگ آن، در خط وابستگی‌های گوناگون به امپریالیست‌ها، به‌ویژه آمریکا، نوعی «دستگاه استبدادی» می‌دانست و، در مبارزات چندین‌ساله‌ی خود، در سرکوبی رژیم، همه‌گاه، آمریکا را به گونه‌ی دشمن اصلی شناسایی می‌کرد؛ و به همین دلیل، پیکارهای آزادی‌خواهانه‌ی ملت ما دارای ویژگی‌های ضدامپریالیستی می‌باشد.

انقلاب اسلامی ملت ایران، که تضمین‌کننده‌ی استقلال ملّی ماست و می‌رود تا همه‌ی نفوذ و سیطره‌ی بیگانگان را از میهن ما ریشه‌کن سازد، بی‌شک نمی‌تواند مورد تأیید آمریکا باشد که سردمدار غارتگران جهانی است؛ و پناه بردن شاه مخلوع، که به گونه‌ی مهره‌ی بی‌اختیار چندین دهه میراث‌های اقتصادی و فرهنگی ما را در اختیار امپریالیسم قرار داد، این هم امری است طبیعی؛ و مشاهده شد چگونه با نیرنگ و فریب‌عامل و آلت فعل ویرانی و فساد و بیدادگری در میهن ما هم‌اکنون در دامان اربابان خارجی خود سکونت گزیده و، به احتمال قوی، مشغول طرح برنامه‌های ضدایرانی دیگری می‌باشد.

ملت ضدامپریالیست ایران، که پس از تحمل اسارت‌ها و حقارت‌ها به یمن حرکت انقلابی توانسته‌است استقلال خود را بازیابد، بدیهی است آن چنان احساس و ادراکی دارد که نمی‌تواند قبول کند آمریکای انسان‌کش جنایت‌کارترین عنصر ضدایرانی را پناه خود بگیرد؛ و متأسفانه کاربه‌دستانی که قادر بودند به صورت‌های روشن و جهانی بیانگر این احساس و ادراک باشند نتوانستند این انقلابی‌ترین وظیفه‌ی خود را انجام دهند؛ و بر عکس، در جامعه‌ای که

آتش انقلاب ضدامپریالیستی زبانه کشیده، اعتراض‌های وظیفه‌داران سیاست خارجی برای مردم قانع‌کننده به نظر نرسید و ملاقات‌های معنی‌دار رجال مملکتی با شخصیت‌های بیگانه، آن هم در مجمعی که به عنوان یکی از نخستین سنگرهای مبارزات ضداستعماری ملت‌های مسلمان شناخته شده، خشم ملّی را فزون‌تر ساخت؛ و سرانجام، دانشجویان کشور به گونه‌ی نمایندگان پیشتاز مردم ستم‌دیده‌ی ایران برای بیان خواسته‌های انقلابی جامعه، که دولت نتوانسته بود آن را آشکار سازد، سفارت آمریکا را اشغال کردند و بدین وسیله صدای مظلومیت و حق‌طلبی هم‌میهنان خود را به‌گوش جهانیان رساندند.

این اقدام شجاعانه مورد تأیید ملت ایران است؛ و اکنون باید دید آیا، با اقدامات سنجیده‌ی بین‌المللی و به‌کاربردن دیپلماسی ملّی، دولت موقت می‌تواند رسالت خود را در هماهنگی با انقلاب آشکار سازد؟

دروغ به دانشجویان مبارز ایرانی، نابود باد سلطه‌ی امپریالیست‌های جهان.

دبیرخانه‌ی حزب ملت ایران